نظام ایلیاتی والگوی حکومت درایران

سیدعطاءالله سینایی*
عضو هیئت علمی دانشگاه شهرکرد

چکیده

اوضاع جغرافیایی و طبیعی، و مناطق مختلف در ایران ساختار نظام قومی و ایلیاتی، زمینه‌هایی را مهیا نمودند که ایلات و قبایل در بخش عمده ای از تاریخ ایران بر نظام سیاسی و حکومتداری کشور تسلط یابند. هجوم قبایل و صحرانشینان و سلطهٔ طولانی‌مدت آنان و سپس مهاجرت ایلات و قبایل و تهدیداتی که از جانب ایشان متوجه جوامع یکجانشین شهری و روستایی بود؛ ضرورت‌های خود را در شکل الگوی سیاست و حکومتداری ایران نهادینه نمود. این مقاله به بررسی ساختارجامعهٔ ایلیاتی و تاثیرگذاری آن بر الگوی سیاست و حکومتداری در ایران می‌پردازد.

واژگان کلیدی: ساختار نظام ایلیاتی، ایران، نظام سیاسی، کوچنشینی، یکجانشینی، استبداد.

مقدمه

نظام حکومتی در ایران بر بنیادهای ایلی و عشیره‌ای استوار بود. نیروی قبیلگی بنا به خوی و عادت خویش که ناشی از زیستن در دل طبیعت سخت بود، خشن و ستیزه‌جو و روابط آن مبتنی بر روش‌های سازمانی کاملاً خود کامه بود.

---

* مدرس دانشگاه شهرکرد

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

روندهایی که در طی قرن‌های متمادی تسلط این ساختارها به صورت اجزاء لاینفک و روش‌های اعمال قدرت در نظام سیاسی و دیوانسالاری این مملکت ماندگار شدند. سلطه هر قبیله بر جامعه پس از گذشتن دوره شکوه آن، با یورش ایل معارضی از داخل یا بیرون از فلات ایران برچیده می‌شد و قبایلی که این‌گونه بر جامعه مسلط می‌شدند، بی‌درنگ به بهره‌کشی نا محدود از دهقانان و شهرنشینان می‌پرداختند، و اشرافیت عشیره‌ای خود را در سرزمین تسخیر شده حاکم می‌کردند. برای شناخت تاثیر نظام ایلیاتی بر الگوی نظام حکومتی در ایران ابتداء به بررسی ساختار اجتماعی نظام ایلی و کوچنشینی ایران می‌پردازیم.

جامعه ایلیاتی ایران

قلمروهای وسیع کوهستانی، مرتعی و صحرائی بریده از هم، بارندگی اندک، تفاوت شدید دما و نوسانات زیاد بارش در نواحی مختلف، از جمله زمینه‌های طبیعی پیدایش نظام اجتماعی واقتصادی ایلی و کوچ در ایران هستند. (ودیعی،۱۳۴۹،۱۶) و در این میان کمبود آب و نوسانات بارش به عنوان مانع گسترش کشاورزی وشرایط اقلیمی سرزمین به عنوان تحمیل‌کننده معیشت چادرنشینی و اثرگذار بر شکل‌بندی ساختار و هرم قدرت در این جوامع هستند. (Nugent and Sanchez , 1999 ,263-264) بنابراین نوعی تحرک اکولوژیکی معقول‌ترین و امکان‌پذیرترین راه‌حل فوری در این جامعه است که از امکان استفاده از راه‌حل‌های فنی جدید برای مقابله با عوامل نامساعد طبیعت بی‌بهره است و پاسخ ناپایداری و بی‌تعادلی شرایط طبیعی را با نوعی تحرک کارآمد در شکل‌بندی زندگی اجتماعی خویش می‌جوید. کوچ نخستین این راه‌حلهاست. (پرهام،۱۳۶۲،۳۷۲)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

از نظر ساختاری، ایل مجموعه‌ای سازمان یافته است که بر پیوندهای محکم خونی و نسبی استوار است. (Hvoslef,1995,99) که روابط خونی و نسبی همبستگی درونی آن را تضمین می‌کند و فرد و خانواده هسته‌ای با واسطه این سازمان به مجموعه بزرگ ایل مرتبط می‌شوند و خانواده‌ها درآن حول خویشاوندی نسبی (رده‌های پایین) و خویشاوندی تصوری و آرمانی (رده‌های بالا) در واحدهای اداری - سیاسی مختلف سازمان می‌یابند. (کسرائیان و عرشی، ۱۳۷۵، ۱۰-۹) نیز به مدد این سازمان شبه‌نظامی، ایل قادر بود وظایف گوناگون خود نظیر جنگ با ایلات و قبایل رقیب و جدال دائم با طبیعت وحشی، حفظ امنیت جامعه ایلیاتی، تقسیم مراتع، و داوری در میان خانوارها، دامداری و گذرانیدن تیره‌ها و طوایف در کوچ‌های بهاره و پائیزه از ایل راه‌های صعب و دشوار، را از دوره‌های بسیار دور عملی نماید؛ (امان الهی،۱۵۸،۱۳۷۰) و براساس این سازمان تداوم یگانگی ایل را تضمین کند. (فیروزان،۱۳۶۲،۳۴)

تنوع قومی شکل‌گرفته در این سرزمین به صورت تفاوت‌های زبانی، گویشی، فرهنگی و مذهبی و گاه از ترکیب دو یا چند عامل مذکور نمود می‌یافت. همچنین در دوره‌هایی از تاریخ اشکالی از کوچ‌نشینی در واکنش به فشارهای سیاسی-مذهبی یا تعرضات حاکمان پدید آمد. (آیرونز،۱۸۰،۱۳۶۲-۱۴۶) این وضعیت از گذشته‌های بسیار دور در ایران وجود داشته است. (شهبازی، ۱۳۶۹، ۸۰-۸۴)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

ویژگی‌های ساختار جامعه ایلیاتی ایران

۱. نظام سلسله مراتبی

شکل‌بندی ساختارهای اجتماعی ایلات تفاوت‌های عمیق و بنیادین ندارند و رده‌بندی‌های ایلات ایران بسیاربه هم نزدیک است. اجزاءاین ساخت‌ها در بالاترین مرتبهٔ خود، (بزرگ ایل) یعنی جایی که همه آحاد جامعه ایلیاتی خود را منتسب به یک نیای مشترک می‌دانند ممکن است کاملاً تصوری باشد ولی به ترتیب که این رده‌بندی به سمت پایین‌ترین اجزاء خود می‌رود، عینی و واقعی‌تر می‌شود. اعضا جامعهٔ ایلی از بالاترین بخش این ساختار تا پایین‌ترین قسمت‌ها در زیر شاخه‌های معین تقسیم شده‌اند. (Hvoslef ,۱۰۰) نمونه‌ای از این ساختار اجتماعی، در مورد برخی از ایلات ایران به شکل زیر است: اعضاء ایل جامعه خود را به گروه‌های پدری نسب تقسیم می‌کنند که کوچکترین واحد آن فرزندان یک پدر (گروه برادران) هستند که نزد برخی ایلات اصطلاحاً « بهون » (Buhon) یا سیاه‌چادر گفته می‌شود. سیاه‌چادر، کوچکترین واحداجتماعی و عینی ایل است. بعد از سیاه‌چادر «مال» قرار دارد. «مال» از تجمع چندین سیاه‌چادر در گوشه‌ای از مرتع تشکیل می‌شود که معمولاً اعضای آن به همراه هم دام‌های خود را به چرا می‌برند. مال تنها واحد تجمعی و عینی ایل است که جایگاه ثابتی ندارد و ممکن است به دنبال آب و علف هر چند هفته را در محلی اُتراق نماید. گروه سوم « کر، بو» (Korobu) یا اولاد است. هر اولاد از ده‌ها خانوار تشکیل می‌شود. گروه چهارم «تش» (Tash) است، که واحدی ذهنی و دربردارنده چند اولاد است. پس از «تش»، «تیره» و سپس «طایفه» قرار دارد، که از ترکیب چند «تیره» تشکیل می‌شود. طایفه واحد بزرگ اجتماعی پیش از ایل است. (دیگار،۱۳۶۶،۲۳و صفی-نژاد، ۱۳۶۲،۱۱۸-۱۱۵)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

تقریباً در تمام ایلات با اندک تفاوت‌هایی درعنوان و یامیزان خانوارهایی که هر واحد تحت‌پوشش قرار می‌دهد، چنین رده‌بندی‌هایی وجود دارد. (غفاری، ۱۳۶۸ و طیبی، ۱۳۸۰)

توزیع قدرت سیاسی و اداری متناسب با تقسیم درونی ایل صورت می گرفت. در عالی‌ترین نقطه هرم قدرت در میان ایلات خان یا ایلخان قرار داشت و سرپرستی کل نظام سیاسی، اجتماعی ایل در اختیار وی بود. در مراتب پایین‌تر کلانتران، بودند که وظایف تأمین و سازماندهی نیروی جنگی، جمع‌آوری مالیات و داوری میان اعضای آن طایفه و دیگر موارد را عهده‌دار بودند. در مرتبه بعد کدخدایان بودند که همین وظایف را درحوزه تیره‌های وابسته به خود در این نظام سلسله‌مراتبی ایفا می‌کردند. (افشارسیستانی،۱۳۶۶،۴۷۳وامان‌الهی،۱۷۴-۱۷۳)

در واقع، جهان‌بینی خویشاوندباوری، زندگی دامداری و مدیریت مبتنی بر رهبری خان‌ها و سرکردگان ایلی، سه مؤلفهٔ اساسی در شناسایی نظام ایلی است. (تاپر،۱۳۷۷،۱۶۰) و به اعتقاد ابن‌خلدون، ریاست در قبایل تنها از راه قدرت و غلبه میسّر می شد و عمیقاً در ارتباط با عصبیت ممکن بوده. (ابن خلدون، ۱۳۶۹، ۲۴۹).

ایلات و اقوام بر اساس تیره‌ها و طوایف خود دارای انسجام درونی بودند. آنان نسبت به حفظ تعلقات خود اعم از نام، نیاکان، سرزمین، اسطوره‌ها و آنچه به ایشان منتسب بود تعصب می‌ورزیدند. (ابن خلدون، ۲۴۱-۲۴۰) این عصبیت مؤثرترین عامل انسجام و استحکام درونی جامعه ایلی و قومی بود. باور اعضا به نظام ایلی خود و احساس تعلق (تعصب) به آن، در کنار وجود ساختار رده بندی تیره و طوایفی و سرزمین مشترک برای ارائهٔ تعریف از جامعهٔ ایلی ایران مهم‌ترین معیارها است. (افشار نادری ،۱۳۶۲،۳۳۱)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

رده‌بندی ساختارهای ایل تأمین‌کننده هماهنگی نظام ایلیاتی بود. در این میان اگر چه پیوندهای خانوادگی و روابط اجتماعی در سطح ایل نسبت به طوایف و تیره‌ها ضعیف بود ولی اعضاء از وابستگی به ایل آگاهی داشته با اجزاء آن دارای رابطهٔ عاطفی بودند و به آن تعصب می‌ورزیدند. در مراتب پایین دستی ایل نظیر اولادها، تیره‌ها و حتی در مرتبه طوایف، یکپارچگی گروهی و انسجام و همبستگی اجتماعی بسیار برجسته بود. هر فرد ایلیاتی با افراد هم تیره خود روابط تنگاتنگ و گسترده‌ای در زمان کوچ، در بهره‌برداری از مراتع و آب، و در مبادلات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی داشت. در واقع تیره و طایفه برای او در حکم دهکده و حتی بیشتر از آن برای روستایی بود. او در تیره ادغام می‌شد و بیرون از این نظام اجتماعی نمی‌توانست هویتی پیدا کند و قادر به تغییر این نظام هویتی و تیره و طایفه خود نبود. (صفی‌نژاد،۱۳۶۸،۷۴)

ساخت اجتماعی ایل نیز خود کلیتی را تشکیل می‌داد که مرزهای آن نه سرزمینی بلکه فرهنگی بود. (تاپر،۱۳۷۷،۱۵۱) و فرد در آن بیش از آن‌که وابسته به سرزمین یا کشور و ملت معینی باشد، وابسته به ایل بود. بنابراین ویژگی یک گروه ایلی وقومی بیش ازآنکه مادی- زیستی باشد، اجتماعی- فرهنگی بود.

۲- خودگردانی

جامعه ایلیاتی ایران مدت‌های زیادی عملاً در اداره امور خودگردان بود و نهاد رهبری ایل پاسخگوی نیازهای مختلف سیاسی درونی آن و تنظیم‌کننده روابط آن با جهان خارج بود و توزیع قدرت سیاسی و اداری در این ساختار با تقسیمات درونی آن تناسب داشت. ایلخان یا خان، سپس کلانتران و کدخدایان وظایف مختلفی را که در جوامع یکجانشین بر عهده دستگاه‌های قدرت رسمی است،

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

عملی می‌نمودند. امر قضاوت و داوری، جمع‌آوری مالیات، تنظیم روابط اجزای ایل و جهان خارج، سازمان‌دهی و تجهیز نیروی مسلح (تفنگچیان) و... توسط رهبران ایل انجام می‌شد. (لمبتون،۹، ۱۳۶۰)

مریان سی‌کوپر، سیاح آمریکایی که مدتی را در میان بختیاری‌ها گذرانده در مشاهدات خود به صدور احکام قضایی، جمع‌آوری مالیات، توسط ایلخان بختیاری و همچنین وجود تعداد زیادی سوار تفنگدار در رکاب وی اشاره می‌کند. وی به علاوه از خودگردانی ایلات به واسطهٔ بهره‌مندی از حصارهای طبیعی کوه و صحرا، و کشمکش‌های مداوم آنها با دولت‌های مرکزی سخن می‌گوید. (کوپر،۱۹-۱۰) این استقلال‌خواهی حتی در دوقرن اخیربه گونه‌ای بودکه بختیاری‌ها در این دوره عموماً با حکومت‌های مرکزی در درگیری بسر بردند. (کسروی،۲۳۱،۲۵۳۶-۹۷) این تقاضا برای استقلال در دوره‌های دورتر تاریخی در نزد ایلات از شدت بیشتری برخورداربود. درحالی که دولت‌هاسعی براعمال‌کنترل‌برایلات‌داشتند، تمایلات گریز از تمرکزگرایی دولتی درمیان آنان شدید بود. (۲۵۲-۲۵۱, ۱۹۸۸،Meir)

۳- روابط پرتنش درونی و برون‌ایلی

جدال دائم میان اجزاء داخلی(امان،۷۶،۱۳۶۹) وجوامع ایلی با دیگر بخش‌های جامعه یکی از خصیصه‌های تاریخ ایران است، بر اساس آنچه از ویژگی‌های ایلات گفته شد، همبستگی اجتماعی و انسجام درونی در جامعه ایلیاتی، علی‌الخصوص در واحدهای کوچکتر، بسیارزیاد است، و این انسجام از طریق پیوندها و شبکه تیره‌ای و خویشاوندی تقویت می‌شد. جدابودن از تیره‌ها و طوایف و ایل‌های دیگر، خودکفایی اقتصادی وخودگردانی سیاسی، وجود نظام ساختاری سلسله‌مراتبی مشخص و سخت و احساس متفاوت و حتی درتضادبودن با دیگران، فرد را به گروه

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

خود هر چه بیشتر نزدیک می‌ساخت و این حس در وی پدید می‌آورد که بیرون از گروه اجتماعی خود نمی‌تواند زندگی کند. این «احساس تمایز » در هویت‌بخشی گروه‌های قومی و ایلی از آنچنان اهمیتی برخورداراست که «بازن» (BAZIN)آن را مبنای تعریف اولیهٔ خود از مفهوم قومیت قرارداده (بازن،۱۳۷۷،۳۶-۳۵) بدین‌ترتیب همبستگی اجتماعی درون گروهی بیشتر و حس تمایز برون گروهی نیز افزایش می‌یافت. سپس، این همبستگی درونی نوعی گسست بیرونی ایجاد می‌کرد. (بارنز و بکر،۱۳۵۸،۳۲-۳۰) این عوامل وقتی با شیوه تولید و تقسیم کار اجتماعی در ایلات که بخش قابل توجه وظایف معیشتی در آن به زنان و کودکان واگذار می‌شد و مردان اغلب از فراغت بال و فرصت کافی برای پرداختن به امور نظامی برخوردار بودند؛ ترکیب می‌شد و قدرت جنگندگی مردان ایلیاتی که درنتیجه ممارست ومبارزه مستمر باطبیعت‌وحشی‌بدست می‌آمد و با عدم‌وابستگی و تعلق به سرزمین خاص، پیوند می‌خورد، قابلیت‌های ویژه‌ای در ستیزها و رقابت قدرت در اختیار ایلات قرار می‌داد. (لمتون،۱۳۶۲،۶۶۵) این وضعیت فضای ذهنی و زمینه های بالقوهٔ یورش برای تصرف اراضی مرتعی، چرانیدن مزارع و غارت محصولات یکجانشینان بویژه در سالهای خشک و نیز تصرف و غارت شهرها را فراهم می‌نمود. (کاستللو، ۱۳۶۸، ۱۳۳-۱۳۲)

تأثیرگذاری نظام ایلیاتی بر الگوی نظام سیاسی و حکومت‌داری در ایران

بخش عمده‌ای از تاریخ ایران با تسلط و تأثیرگذاری جوامع ایلیاتی و قومی بر نظام سیاسی توأم است. این وضعیت باعث ایجاد آثاری در شکل‌گیری الگوی نظام سیاسی ایران برای دوره‌های بعد شد. در این بخش به بررسی چگونگی تأثیرگذاری جامعه ایلیاتی بر الگوی نظام پادشاهی ایران می‌پردازیم.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

پدر شاهی ایلیاتی و پادشاهی ایرانی

آن‌گونه که در بخش‌های گذشته گفته شد، زمینه‌های قدرت انحصاری جامعه ایلیاتی ایران در طبیعت و اقلیم این سرزمین و سپس در ساختار اجتماعی الگوی نظام جوامع کوچنده نهفته است. وضعیتی که باعث پیدایش این جامعه متحرک می‌شد الزامات خود را بر مردمان این جامعه تحمیل می‌کرد. این مردمان به فراخور شرایط سخت زندگی، افرادی قوی، پر طاقت و دارای سازمان شبه‌نظامی سلسله‌مراتبی بودند که به واسطهٔ مواجهه مستمر با دشواری‌های طبیعت و قبایل مهاجم زمینه‌های واکنش سریع برای آنان تسهیل شده بود. به جهت مبارزه دائم با این عناصر (طبیعت وحشی و مهاجمان و معارضان) به شدت جنگجو و ستیزه‌گر و دائماً پا به رکاب، تربیت شده بودند در واقع قدرت سیاسی ایل در قدرت نظامی آن بود، (شعبانی ،۱۳۶۹،۶۷-۶۵) بعلاوه در غیاب نیروی نظامی سازمان‌یافته‌ی رسمی و ارتش دائم، تنها نیروی سبکبار، دارای چالاکی و قدرت مانور بالا بودند که می توانستند با سرعتی که نیروی جامعه یکجانشین قادر به انجام آن نبود وظایف حاکمیتی را انجام دهد و اعمالی نظیر جمع‌آوری مالیات، سرکوب شورش‌ها و اغتشاش‌های محلی و... را در سرزمینی که آبادی‌ها در آن از هم بسیار دور و چون واحه‌هایی در دشت‌ها و دره‌ها و یا در کویر و، کیلومترها با آبادی دیگر فاصله داشتند، یا به جهت کوهستانی‌بودن امکان دسترسی به آن را هر نیرویی در اختیار نداشت، تحت پوشش قرار دهند و یکپارچگی سرزمین‌ها را در کلیت ایران ممکن سازند . (پولاک،۱۳۶۸،۱۴)

این زمینه‌ها شرایطی را برای ایلات و قبایل مهیا کرد که قادر شدند در بیش از هشتاد درصد از کل دورهٔ سلطنت در ایران (۷۱۲ق.م تا ۱۹۷۹م) حاکمیت سیاسی کشور را در اختیار داشته باشند (شعبانی،۶۸) برخی از پژوهشگران تاریخ

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

حتی معتقدند اکثر حکومت‌های ایران دارای بنیان‌های ایلیاتی بودند و گزاف نیست اگر بگوییم در جریان این آمد و شد، منازعات ایلی در ایران جای منازعات طبقاتی در تاریخ اروپا را گرفت. (نقیب زاده،۱۳۷۹،۱۹) فرآیندی که شاید بتوان مفهوم نوعی گردش دورانی قدرت را درقالب الگویی که ابن‌خلدون آن را برمبنای قوت‌وضعف عصبیت تبیین می‌کند، در مورد آن بکاربرد. «... ملکداری هدفی است که عصبیت به سوی آن روان است، و ملک جز به غلبه و چیره حاصل نمی‌شود و پیوسته پیروزی از آن قویترین عصبیت است تا آن‌که عصبیتی تازه در برابرش قدعلم کندوقویتر از اوگردد و بر آن چیره شود.» (ابن خلدون،۲۶۶-۲۶۵) سرازیرشدن سیل قبایل و ایلات و تسلط ایشان بر این سرزمین باعث شد که عنصر اطاعت مطلق از رئیس قبیله در بافت حکومتی ایران به مثابه یک اصل اساسی وارد و نهادینه شود، این جزئی از سنت قبایل بود و مخالفت با آن حرام و« تابو» تلقی می‌شد. (زیبا کلام، ۱۳۷۳، ۱۸۸-۱۸۷) این سنت‌های فرهنگی و اجتماعی عموماً مواردی هستند که دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی آن را در قالب الگوی پاتریمونیالیسم طبقه‌بندی می‌کنند و آن مفهومی است که«ماکس وبر» برای اشاره به شکلی از اقتدار بکاربرد که در آن نظامی سنتی با بهره‌مندی از مناسبات و سلسله مراتب قدرت، فرامین فرمانروا را به اجرا می‌گذارد. از این نظر پدرسالاری (پاتریمونیالیسم) تنها به معنای سلطه پدر نیست. بلکه سلطه خویشاوند بزرگتر بر اعضای خانواده، سلطه ارباب و ولی نعمت بر رعایا، سلطه فرمانروا بر خدمتگذاران و مقامات رسمی، سلطه شاه، شهریار و فرمانروای موروثی بر مقامات دربار و رعایا، همگی تحت مقوله پدرسالاری قرار می‌گیرند. در این‌گونه از اقتدار نظام ارزشی و هنجارها نقض ناشدنی و مقدسند.... و در کنار این نظام، قلمرو استبداد مطلق فرمانروا که قضاوت‌هایش نه بر اساس عملکرد و خدمت که

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

بر پایه تمـایلات شخـصی اوسـت، قـرار دارد. (وبـر،۱۳۸۲،۳۳۷-۳۳۶) از دیگـر خصوصیات این نظام اینست که کارکنان دستگاه دولتی خدمـه شخـصی رهبـری محسوب می‌شوند، اقتدار موجود کاملاً شخصی اسـت، و حـاکم داور نیـست بلکـه ارباب جامعه است. قدرت به موجب صفات شخصی به او تعلق گرفته و همـه‌چیـز در رابطه با شخص شاه (فرمانروا) اعتبار می‌یابد. دیوانسالاران و صـاحب‌منـصبان نوکران اویند و ارتش نیز تنها ارتش اوست و میل و اراده او در حکم قـانون اسـت. در این میان رعایا (توده‌های مردم) به معنای واقعی کلام حقـوقی ندارنـد، و در صورت نیاز توسل و استمداد از مراحم ملوکانه تنها چـاره‌ی آنـان اسـت. (فرونـد، ۱۳۶۲،۲۵۳-۲۵۲)

پیشینهٔ حکومت و قدرت در ایران همخوانی مناسبی بـا ایـن الگـوی سیاسـی دارد. وضعیتی که در آن حکومت به عنوان ملک حاکم تلقی مـی‌شـد و آن را بـه وسیله قانون زور، کنترل می‌کرد و مأموران اداری به عنـوان نـوکران شخـصی وی خدمت می‌کردند، وحکومت سلطنتی ملک شخصی او بود. در این نظام استبدادی، هدف تمام تشکیلات و ساز و کارهـای سیاسـی، اجتمـاعی، فرهنگـی و اقتـصادی صیانت مقام سلطنت و استقرار و تعمیق نفوذ و سلطه شاه بود. لرد کرزن در پایان قرن نوزدهم دربارهٔ وضعیت حکومت درایران می‌نویسد: «... شاه ایـران،**...**حـرفش قانون و امرش مطاع، اختیارش نامحدود است و بر مال و جان و رعیت‌هـای خـود حکومت مطلق می‌کند. شاه ایران یک تنه هم قوه مقننه و هم قوه مجریـه و هـم قوه قضائیه را تشکیل می‌دهد، هر چیزی را می‌توانـد مـصادره کنـد، هـر کـس را می‌تواند بکشد یا ببخشد و تمام اموال عمومی قبضه قدرت او می‌باشد**...**» (کرزن، ۱۳۴۷،۹۳-۹۲) این شیوهٔ اداره کشور تا پایان دورهٔ سلطنت ادامه داشت و منـابع تاریخی‌گزارش‌های بسیاری دارندکه تائید می‌کند، نگاه حاکمان ایلیاتی و عشایری

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

ایران به ملت به مثابه قبیله و به حکومت و منابع آن به عنوان مِلک اعضای قبیله غالب و یا مفاهیمی از این دست بود. چنان‌که « سلاطین سلجوقی به منزله سران قبیله خود به حساب می‌آمدند، و امپراطوری را ملک مطلق کل اعضای خانواده به حساب می‌آوردند...» (کلوزنر،۱۳۸۱،۲۰-۱۹) این نوع نگرش در دوره مغولان تشدید شد. آنان سرزمین‌های تحت تصرف را به عنوان بخشی از دارایی قبیله و «یورت»[۵] خاندان سلطنتی می‌دانستند که در آن‌ها احشام و اغنام آنان و اتباع ایشان می‌چریدند... (علمداری،۱۶۷،۱۳۸۰)

این‌گونه برخورد با ملک و ملت در تمام دوره‌های بعد ادامه داشت، زیرا تفاوت قاطعی در مبانی فرهنگی و اجتماعی حاکمان پدید نمی‌آمد. تنها تغییر عبارت بود ازاین‌که قدرت وحکومت ازعشیره‌ای به عشیره‌ای دیگرمی‌رسید، درحالی که مخرج مشترک رفتار در این میان پایدار می‌ماند. این بدین جهت بودکه ایلات با وجود تفاوت در منشا، نژاد، تعداد جماعت، زبان و... در بخش‌های عمده‌ای از اصول فرهنگی، اجتماعی و سیاسی واحدی تبعیت می‌کردند.. (سریع القلم، ۱۳۷۷،۳۶)

در این فرهنگ سیاسی آنچنان که خواجه نظام الملک وزیر مقتدر سلجوقیان گفت «رعیت رمه پادشاه و پادشاه شبان رعیت است.» (طوسی،۱۳۶۴،۴۱)

این وضعیت به واسطه استمرار الگوهای رفتار سیاسی در دوره‌های مختلف تداوم داشت. و سپس عنصر قدسیت هم به این عوامل قدرت افزوده شد و صفویان که نیروی پادشاهی خود را بر پایه سازمان ایلیاتی و ایدئولوژی دینی استوار کرده بود، جایگاه خود را از مقام فرمانروایی به شأنی از الوهیت نزدیک نمودند. (مینورسکی،۱۳۶۸،۱۸) دولت قاجار نیز که آغامحمدخان مؤسس آن خود را بیشتر رئیس یک ایل می‌دانست تا پادشاه یک مملکت، (زیباکلام، سنت و مدرنیته،۱۴۰) با تمام سازمان و اقتدارات خود، به صورت کامل، یک نظام

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

پدرشاهی بود. شالوده این سلسله بر نظام ایلیاتی ایران و فرهنگ سیاسی پاتریمونیالیسم استوار بود، تمام ساختار قدرت در وجود شاه خلاصه می‌شد و افراد و عناصر تشکیل‌دهنده دولت همگی «نوکران شاه» خوانده می‌شدند. (ورهرام، ۱۳۶۶، ۱۱)

در همین دوره، بیش از پیش کشور به صورت ملک مطلق میان خاندان ایل قاجار تقسیم شد و استبداد با فراوان شدن دارالسلطنه (دربارهای ایالتی) گسترش و عمق یافت، و همه مملکت به تیول فرزندان و کسان و نوادگان قاجاری فتحعلی‌شاه تبدیل شد. (کرزن، ۳۶۵) سپس در واپسین دورهٔ قاجار، انقلابیون مشروطه هم که به دنبال رهایی و خلاصی از شر بی‌قانونی سازمان‌یافته و رسمی بودند و فکر می‌کردند به صرف غلبه بر استبداد، به همه آرمان‌های گوناگون ملت می‌رسند. (همایون کاتوزیان،۱۰۳-۱۰۲) کامیاب نشدند زیرا پاسخ پادشاهان مشروطه به خواسته‌های آنان نیز، همان پاسخ شاهان پیشین به گله‌های رعیت بود و محمدعلی شاه که ناگزیر تن به پذیرش مشروطیت داده. متغیرانه و با اعتراض به مجلسیان گفت: «چطور من مسئولیتی ندارم، من می‌بایستی رعایای خود را مثل شبانی که گوسفندان را هدایت و نگهداری می‌کند، سرپرستی نمایم...» (زیباکلام،سنت ومدرنیته،۴۵۹)

رضاخان پهلوی و فرزندش نیز به مانند تمام پادشاهان پیش از خود ایران را به صورت ملک خانوادگی وطایفه‌ای خودمی‌نگریست‌ومنافع‌شخصی‌خودرامنافع کشور تلقی می‌کردند. (کاتم،۱۳۷۱،۴۰۷) و در حالی که اصل ۲۶ قانون اساسی مشروطه تصریح داشت که «قوای مملکت ناشی از ملت است». (رحیمی، ۱۳۴۷، ۱۲۷) .

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

به هر حال دوره طولانی حاکمیت اقوام چادرنشین بر جامعه یکجانشین شهری و روستایی در ایران خلق و خوی این نوع از حیات سنتی را به عنوان اسلوب‌ها والگوهای حیات سیاسی اجتماعی، در مناسبات این جامعه ماندگار نمود.

همچنین جامعه ایلیاتی از طریق تکرار تهاجم و یورش به جوامع روستایی و شهری برای غارت و چپاول منابع مالی و اندوخته محصولات، فضایی را ایجاد کردند که نهایتاً مسأله رفع تهاجم و ایجاد امنیت به عنوان مهم‌ترین دغدغه حکومتها درآید. بنابراین ایده ایجاد نیروی سرکوب به صورتی که بتواند مستمراً درگیر شورش‌های محلی ایلات باشد، حاکمان را به سمتی برد که تمام منابع ثروت و اقتصاد جامعه را برای تأمین امنیت آن‌ها در اختیار گیرند، این همان چیزی است زمینه‌ساز تشکیل و گسترش حکومتهای نظامی‌گرا و متمرکز در ایران گردید. حکومت‌هایی که به قیمت تصرف و تملک اراضی و تبدیل جوامع آزاد و خودکفا به رعایا و بردگان شاهنشاه و قوم فاتح امنیت آنان را تأمین می‌کردند. مک‌آیور دانشمند سیاسی می‌نویسد: «جنگ وآشوب تقاضای فوری را به وجود می‌آورد که خواهان انضباط یعنی پیروی و اطاعت از رهبر است،... رهبری جنگ اقتدار را تشدید می‌کند و یک سیستم تبعیت قاطع در سلسله مراتب پدید می‌آورد. حتی یورش‌های محلی که در بسیاری موارد جنگ‌های قبیلگی را تشکیل می‌دهند، روابطی را به سلسله مراتب تحمیل می‌کند که به شدت متکی به امر و اطاعت است...» (مک آیور، ۱۳۴۹، ۴۵-۴۳)

بدین‌ترتیب منازعه و اغتشاش ناشی از انتشار و ریشه‌دارشدن الگوی حیات اجتماعی ایلیاتی فضای تنش وبی‌ثباتی را در کشور دامنه‌دار نمود که در تاریخ ایران به صورت یک نهاداجتماعی درآمد. پطروشفسکی این امررا یکی ازعلل‌عقب-ماندگی ایران می‌داند که باعث متوقف‌کردن سیر تکامل جامعه و سپس تحکیم و

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

تقویت اشکال عقب‌مانده‌ای از نظام سیاسی- اجتماعی ماقبل فئودالیزم که در زیر پرده‌ای از رسوم و عادات دوره نظام‌های پدرشاهی (پاتریمونیالیسم) مستور بود، گردید. (پطروشفسکی،۱۳۵۷،۷۹)

نتیجه‌گیری

شرایط طبیعی فلات ایران وقابلیتهای ساختاری ایلات برای جوامع ایلیاتی این امکان را فراهم آورد که در دورهٔ طولانی بر این کشور حکومت نمایند. این وضعیت باعث شد که بسیاری از سنت‌های ایلات و قبایل که برخی از اقتضائات حیات آن جوامع بودند، به مرور در قالب الگوی حکومت‌داری و سیاست ایران نهادینه شوند. شکل تاریخی استبداد سیاسی را می‌توان یکی از پیامدهای نظام پاتریمونیالیسم قبیلگی نامید. در این مقاله به اجمال به بررسی مقدمات و زمینه‌های آن در سرزمین ایران و ساختار نظام ایلیاتی پرداختیم. وضعیتی که با گسترده‌شدن دامنهٔ ورود و یکه‌تازی ایلات و اقوام در ایران، به فراخور تنش و اغتشاش در کارکردهای این نظام، به شیوع آشوب و ناامنی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران دامن زد، عاملی که هم توجیه‌گر وزمینه‌ساز استبداد و تمرکزگرایی در قدرت و هم باعث عدم‌انباشت وگریزان‌شدن سرمایه گردید . (Montalvo and Reynal querol,2005,295-296)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]

منابع

۱- آیرونز، ویلیام. ترجمه پیروز الف (۱۳۶۲) : کوچ‌نشینی به عنوان راهی برای سازگاری سیاسی، نمونه ترکمن‌های یموت. مجموعه آگاه، انتشارات آگاه، تهران.

۲- ابن خلدون، عبدالرحمن، ترجمه محمدپروین گنابادی، (۱۳۶۹) : مقدمه ابن خلدون، جلد اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

۳- اشرف، احمد. هویت ایرانی، (۱۳۷۴): ایرانیان خارج از کشور، ج۲، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

۴- افشار سیستانی، ایرج، (۱۳۶۶) : مقدمه‌ای برشناخت ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری در ایران، نشر هما، تهران.

۵- افشارنادری، نادر. اسکان عشایر و آثار اجتماعی و اقتصادی آن، مجموعه کتاب آگاه، انتشارات آگاه، تهران۱۳۶۲.

۶- امان‌الهی بهاروند، دکتر سکندر، (۱۳۷۰) : کوچ نشینی در ایران، پژوهشی درباره ایلات و عشایر، نشر آگاه، تهران.

۷- اِمان، دیتر، ترجمه سیّد محسن محسنیان، (۱۳۶۹): بختیاری‌ها عشایر کوه‌نشین ایرانی در پویه تاریخ، انتشارات آستان قدس رضوی، تهران.

۸- بازن، مارسل، ترجمه فروزان خزائنی، (۱۳۷۷): هویت قومی در ایران و آسیای مرکزی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷.

۹- بارنز، اچ. ای. و بکر، اچ . ترجمه جواد یوسفیان و علی‌اصغر مجیدی، (۱۳۵۸): تاریخ اندیشه اجتماعی، ج۱، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران.

۱۰- پرهام، باقر، (۱۳۶۲): طرح مسئله ایلات و عشایر از دیدگاه جامعه‌شناسی، مجموعه کتاب آگاه، انتشارات آگاه، تهران.

۱۱- پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ، ترجمه کریم کشاورز، (۱۳۵۷): کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ج۱، نشر نیل، تهران.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-01]